

## مقدمات تفسیر حافی

- ۲ -

مقدمه دوم - در ذکر اخبار و احادیثی که از ائمه اخیار علیهم السلام

در خصوص تمسک و توسل بقرآن و فضیلت آن وارد گردیده است .  
بدان که در اخبار ائمه اطهار تاکید بلیغ بر تمسک بقرآن در هنگام ظهور

فتنه و فساد و اختلاف آداب و سنن بین فرق اسلام وارد گردیده است . از آن جمله

حدیثی است که محمد بن یعقوب کلینی در کتاب کافی و همچنین محمد بن مسعود

عباشی نیز در تفسیر خود با اسناد از حضرت صادق (ع) روایت میکنند که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله فرمود ای مردم شما در دار سست بنیان و بی بقا هستید

که مانند مسافر سریع السیر باید از این دارغالی بسرای جاودانی رخت بر بندید

شبهای بسیار و روز های بیشمار مشاهده گردید ، همچنین شمس و قمر را که هر

جدیدی را کهنه و هر دوری را نزدیک میگردانند و بهر چیزی که وعده داده شده اید

بآن وفا میکنند و پس توشه برای سفر دور و دراز خود آماده و مهیا سازید

پس مقدادین اسود برخاست و عرض کرد یا رسول الله (ص) دار هدنه چیست حضرت

فرمود خانه ایست بی فایده و انتفاع که ظاهرش فریبنده است ولی بزودی منقطع

میشود پس هرگاه فتنه ها امر را بر شما مشتبه گردانند یعنی همان طور که در شب

تار شما چیزی را نمی بینید امر حق نیز بهمان نهج بر شما مشتبه میشود و حق از باطل

ممتاز نگردد پس بر شما باد که در آن وقت متمسک بقرآن شوید زیرا قرآن هم شفاعت

کننده است و هم اینکه شفاعتش بدرگاه احدیت مقبول است

کسیکه قرآن را قائم و پیشوای خود قرار دهد او را بسوی بهشت رهبری

میکند و اگر بیست سراندازد و آن عمل نکند او را بهنم میکشاند ، قرآن راهنمایی

است که انسان را بهترین راه هدایت می کند و کتابی است که تفصیل و بیان هر چیز

در آن میباشد .

قرآن جدا کننده و فرق گذارنده بین حق و باطل است هزل و لغو نیست و

از برای آن ظاهری و باطنیست که ظاهرش حکم و بسیار خوش آیند و ابقی و

باطنش علم و بسیار مشکل و عمیق است .

از برای آن نهایتست و نهایتش را نیز نهایتی است ، عجایب آن بشماره

در نیاید و غرائب آن هیچوقت کهنه نمیشود، چراغهای هدایت و دلایمهای علم و حکمت در آن هست. کسیرا راهنما و هادی است که از روی معرفت و بینائی آن را بخواند و کیفیت استنباط آن را دریابد. پس شخص بصیر باید فکر خود را در این بحر بی پایان جولان بدهد و نظری عمیق بآن افکند تا حقیقت آن را دریابد. تفکر در قرآن باعث حیات قلب و روشنائی دل است که بسبب این روشنائی از وادی ظلمات جهل و گمراهی بشاهراه هدایت نجات می یابد. همچنانکه در شب تاریک بوسیله چراغ راه را از جاه تشخیص میدهند.

عیاضی باذکر اسناد روایت کرده است روزی حارت اهور بر حضرت امیر علیه السلام وارد شده عرض کرد و قتیکه خدمت شما مشرف میشوم مطالبی میشنوم که دین ما بآن ها معکم شده بر یقین قلبی ما افزوده میشود و قتیکه از محضر شریف خارج میشوم چیزهای مختلف و کلماتی که عقل از قبول آن سرباز می زند میشنوم که حقیقت آن ها بر ما معلوم نیست. حضرت فرمود آیا بآن سخنان عمل هم میکنید. جواب داد آری. حضرت فرمود از حضرت رسول صلی الله علیه وآله شنیدم که میفرمود جبرئیل بر من نازل شده گفت یا محمد (ص) زود باشد که در امت توفته ها بهم رسد گفت راه خلاصی و نجات از آن چیست؟ جبرئیل عرض کرد کتاب خدا که در آن اخبار گذشته و آینده و احکام حال و مستقبل شما در آنست و فصل کننده امور است که ابداً در آن هزلی نیست هر جبار ستکاری که پشت بآن نماید خدا او را درهم میشکند و کسیکه راه هدایت از غیر آن طلب نماید خدا هدایتش نکند و او را بفرود و اگذارند تا گمراه شود زیرا که آن ریسان معکمی است که هیچوقت گسسته نشود آنست ذکر حکیم که هر کس متذکر آن شود دیگر خدا را فراموش ننماید و صراط مستقیم که هوی و هوس در آن راه ندارد و زبانها آنرا مشتبه نمی نماید.

کسی را قدرت بر آن نیست که از روی هوی نفس آنرا بصورت دیگری در آورده لباس دیگری بر آن بپوشاند. عجایب آن تمام نمیشود و علما از دریای معرفت آن سیر نمیشوند.

قرآن کتابی است که چون چنان آنرا شنیدند گفتند انا سمعنا قرآنا عجیباً یهدی الی الرشده کسیکه گفتار و رفتارش طبق قرآن باشد قرآن هم او را تصدیق کند و کسیکه بآن عمل کند اجر داده میشود و کسیکه منوسل بآن شود بتعقیق که براه راست هدایت شده است و آن کتابی است که هیچ چیز نه از قبل و نه از بعد نمیتواند آن را باطل سازد و از طرف خداوند حکیم و حمید نازل شده است. قوله تعالی لا یأینیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید و از ابی عبدالله (ع) منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود قرآن نجات دهنده گمراهان و باعث بینائی نایبایان و رهاننده از سختیها و مصیبتها است همچنانکه کسی در شب مظلم و تاریک بوسیله نور چراغ از افتادن در

گودال ها رهائی می یابد قرآن هم مصیبتی است که گدگشتگان وادی غرور را از ظلمت جهل و نادانی بشاهراه سعادت رهبری میکند و تا آنرا بسر منزل مقصود که آخرت باشد هدایت و راهنمایی مینماید کمال دین از قرآن است و عدول از آن گرفتاری با آتش جهنم میباشد.

عیاشی باز کر اسناد روایت کرده که بر شما باد اعتصام و تمسک بقرآن یعنی هرگاه آیاتی در قرآن بیابید که امام قبل از شما بآن عمل کرده و بدان سبب نجات یافته اند شما هم بایشان تاسی ننوده و بهمان آیات عمل کنید و اعمالی را که مرتکب شدند و بسبب آن هلاک شدند از آن اجتناب کنید.

در تفسیر امام حسن عسکری (ع) مذکور است که حضرت رسول (ص) فرمود قرآن نور مبین است که خلق را بسوی حق هدایت میکند و رشتن محسوس است که فروماندگان چاه ضلالت و گرداب هلاکت را بساحل نجات رهبری میکند و شفا دهنده همه گونه امراض قلبی میباشد و کسیکه از آن استضاه کند یعنی جاده زندگانی را بوسیله نور قرآن بخواهد طی کند خدا جاده طلب او را روشن میگرداند و کسیکه امر خود را بقرآن واگذارد و بآن متوسل شود خدا او را از جمیع آفات نگهداری نموده از شر هوای نفس خلاصی میبخشد و آنکه احکام قرآنرا شمار و دثار خود قرار دهد خدا او را سعادت مند و آبکیفت گرداند و کسیکه قرآنرا پیشوا و مقتدای خویش قرار دهد و امر خود را بدان باز گذارد خداوند متعال در آن جهان نعيم آخرت را بسوی وی کشاند و در این جهان عیش مهنا و زندگانی راحت و بی آفت را نصیب او گرداند.

در کتاب کافی باز کر اسناد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که ای خوانندگان قرآن بدانچه در قرآن بر شما واجب گشته رفتار کنید و من مأمور تبلیغ آن بر شما هستم و شما هم مأمور بعمل کردن آن میباشید زیرا در قیامت برسیده خواهید شد و اول کسیکه در صحرائ قیامت بر خدا وارد شود من و کتاب او و اهل بیت هستند پس از آن امتان من هستند پس از آن از شما سؤال می کنند که با قرآن و اهل بیت من چگونه رفتار گردیده.

از سنده اسکاف روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود مرا بجای توریة سوره های دراز عطا نموده اند و بجای انجیل سوره های که کم و بیش صد آیه است داده اند و بجای زبور مرا مثنای داده اند و بسوره های مفصل مرا فضیلت دادند که عبارت از شصت و هشت سوره است و هیچ پیامبر صاحب کتابی را این مزیت و برتری نداده اند.

صاحب تفسیر گوید: اقوال در تفسیر این الفاظ مختلف است آنچه بحقیقت نزدیکتر است آنست که «سوره های طولانی» عبارتند از هفت سوره اول قرآن یعنی از سوره بقره تا سوره بنی اسرائیل و انفال و برایه یک سوره محسوبند زیرا که جمیع آنها در جنگ نازل شده اند و «مبین» از بنی اسرائیل تا هفت سوره بعد از آن میباشد

و «مفصل» عبارت از سوره محمد (ص) تا آخر قرآن میباشد و مفصل بجهت آن خوانند که فصل بسیار بین دو سوره بیسم الله الرحمن الرحیم باید کرد و بقیه را مثالی گویند و آنها از «مبین» کوتاه تر و از مفصل زیاد تر هستند .

**مقدمه سوم** - در بیات اخباری که دلالت دارد بر آنکه کلیه علوم قرآن نود اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله میباشد . در کتاب کافی با ذکر اسناد از سلیم بنت قیس هلالی مروی است که حضرت امیر المؤمنین (ع) فرمود هیچ آیتی از آیات بر رسول مکرم نازل نشد مگر اینکه آنرا بر من خواند و املاء فرمود من هم با خط خود آنرا مینوشتم و علم تاویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آنرا بن آموخت .

و از خداوند مثلث نمود که قوه فهم قرآن و حفظ آنرا بهت عطا فرماید پس فراموش نکردم نه آیتی از کتساب خدا را و نه علمی را که به من املاء فرموده بود . تمام آنرا و تنبیه که برای من دعاء میفرمود نوشتم . و وا نگذاشت چیزی را که خداوند متعال او را تعلیم داده بود از حلال و حرام و امر و نهی و طاعات سابق و لاحق مگر اینکه آنرا بهت پیاموخت بدون اینکه حرفی از آنرا فراموش کنم سپس دست مبارک خود را بر سینه من گذارد و از خداوند درخواست نمود که قلب مرا از علم قرآن و فهم آن و حکمت و نور پرگرداند .

عرض کردم یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد زما یکه دهامیفرمودی هیچ چیزی از آن بر من پنهان نبود که فراموش کنم و یا بعد از آن خوف فراموشی آنرا داشته باشم .

رسول (ص) فرمود ترس لسیان آنرا بر تو نداشتم . این حدیث را عباسی در تفسیر خود و شیخ صدوق نیز در اكمال الدین با اندک تفاوتی در الفاظ بیان کرده اند و در آخر اكمال الدین اضافه کرده که رسول (ص) فرموده است حضرت رب الفره مرا خیر داد که دهام در حق تو در شرکایکه بعد از تو بیایند مستجاب شد سؤال کردم که شرکاء من کدامند فرمود کسانی که خداوند آنرا از قرین و همتشین خود و من قرار داده است . پس گفت خدا و رسول (ص) و صاحبان امر خود را طاعت کنید که ایشان اوصیاء من هستند تا اینکه در حوض گوثر بن ملحق شوند همه آنان هدایت کننده و هدایت شدگانند و کسانی که با آنان مخالفت کنند ضرری به آنان نمیتواند رسانید . ایشان با قرآن و قرآن هم پیوسته با آنان است و از یکدیگر هیچگونه جدالی ندارند و امت من بواسطه آنان یاری کرده میشوند .

نزول باران و رحمت حق و دفع بلا و استجاب دعاء بواسطه وجود

ایشان است پس عرض کردم یا رسول الله (ص) نامه‌های آنرا برای من بیات فرما آنحضرت دست خود را بر حضرت امام حسن (ع) گذاشت و فرمود یکی این پسر من ، و دیگر این پسر من ، و دست خود را بر حضرت امام حسین گذاشت و فرمود در حیات او پسری از او بوجود آید که اسم او علی است و سلام مرا باو برسان بدین ترتیب يك يك را شمرد تا دوازده نفر از اولاد بنو محمد ص را تکمیل فرمود . عرض کردم اسم آنان را نیز بیان فرما پس نامه‌های ایشان را یکنان یکنان بیان نمود و فرمود قسم بخدا ، ای برادر بنی هلال از جمله ایشان است مهدی آل محمد که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آنکه بر از ظلم و جور شده باشد و فرمود قسم بخدا که میشناسم کسانی را که بین رکن و مقام با او بیعت کنند و همچنین اسما و پدران و قبیله آنرا نیز میدانم .

و در کافی با ذکر اسناد و دلیل از ابی جعفر روایت است که فرموده هر که ادعا کند قرآن را آنطورى که خداوند به حضرت رسول ص نازل ساخته جمع آوری و ضبط کرده دروغگو است و کسی جمع نکرد و حفظ ننمود مگر حضرت امیر (ع) و کسی جز او صیاء قادر نیست از اینکه ادعا کند که عالم بظاهر و باطن قرآن است .

از ابو عبدالله در تفسیر آیه . بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم . مروی است که فرمود مراد و منظور ائمه علیهم السلام هستند . از حضرت صادق (ع) مرویست که فرمود من دانای کتاب خدا هستم بیات احوال ابتدای خلق و آنچه را که تا قیامت واقع خواهد شد در آنست و در آنست خبر آسمان و زمین و بهشت و دوزخ اینها را میدانم همچنان که بگف دست خود نگاه میکنیم و خداوند میفرماید فیه نبیات کل شیء یعنی بیات و تحقیق هر چیز در قرآن است .

در تفسیر عیاشی از ابو عبدالله (ع) مروی است که فرمود ما خاندان رسالتیم که پیوسته خداوند از میانه ما کسی را بیعت میگرداند که عالم بجمع قرآن است و از حلال و حرام آن در نزد ما خبرهایست که اختیار داریم آنرا مکتوم دازیم و باعدی اظهار ننماییم و در روایتی دیگر میفرماید علومیکه خداوند بنا عطا فرموده تفسیر قرآن و احکام آن است هرگاه قلبیکه ظرفیت تحمل آن معانی را داشته باشد میافهیم هر آینه باو میآموزیم و ایضاً از آنحضرت مرویست که فرمود خداوند ولایت فاضل بیت را قطب قرآن و قطب جمیع کتب قرار داد و محکم قرآن بر ولایت ما دور میزند و نام کتابها بواسطه ولایت ما بلند گردیده است و ایمان بواسطه آن آشکار شده است و حضرت رسول (ص) امر فرمود که بقرآن و آل محمد (ص) افتد اکتید و در آخر خطبه فرمود من دو خبر بزرگه در میان شما میگذازم و آنها عبارتند از قتل اکبر و قتل اصغر اما اکبر کتاب خداست و اصغر هجرت

من است ما- امیکه با نپو تمسک جوئید هرگز گمراه نشوید و در کافی با ذکر اسناد از زید شحام مروی است که گفت قتاده بن دعامه خدمت ابو جعفر (ع) تشریف حاصل کرد حضرت فرمود ای قتاده تو فقیه اهل بصره هستی قتاده گفت تصور مردم اینطور است. حضرت فرمود خبر رسیده است که تو تفسیر قرآن میکنی قتاده عرض کرد بلی حضرت فرمود آیا از روی علم تفسیر میکنی یا از پیش خود قتاده گفت از روی علم تفسیر میکنم حضرت فرمود این آیه که در سوره سبا است تفسیر کن: و قدرنا فیها الیسریر و ا فیها لبالی و ایما آمین. قتاده گفت کسیکه یازاد و راحله و کرایه حلال از خانه خود بسوی کعبه مسافرت کند آن شخص این است تا زمانیکه دو مرتبه بسوی اهل خود باز گردد. حضرت فرمود چگونگی در حق کسیکه بهمان ترتیب بسوی کعبه برود و در راه دچار دزدان گشته اسباب او را بفارت برند و خودش را مجروح نمایند آیا باین وصف او این است. قتاده گفت بلی. حضرت فرمود اگر قرآن را اینطور تفسیر کنی بتحقیق که خود و کسانی که از تو اخذ کرده اند هلاک کردی و اگر از دیگران بدین ترتیب آموختی تو و آنان هلاک شده‌اید. سپس فرمود کسیکه بسازاد و راحله و کرایه حلال از خانه خود بجای کعبه روان گردد و در حالیکه عساری بحق ما باشد و دارای ولایت ما و قلبش متوجه ما اهل بیت باشد همچنانکه حضرت ابراهیم (ع) در موقع اتمام خانه کعبه خلق را دفعت فرمود آن شخص از عذاب روز قیامت این است و معرفت قرآن نزد کسی است که مضاطب قرآن است.

ساری طاهر شهاب

## نشاید منت از احسان خود داشت

دروغ لانه مرفی تخم بنهاد	خبر کرد از صدایش اهل خانه
عجوزی لندندی کرد و برخواست	گرفت آن تخم را از تنوی لانه
ولی زین بهره آفرغک بمنت	عوض میخواست گیرد آب ودانه
عجوز از بهر اسکاتش بسنگی	برآند و شکستش بال و شاه
روانش کرد چون در ساحت باغ	شدی اندر پی کارش روانه
قضا را رویی اندر کمینگاه	ر بود او را و بردش از میانه
چوا حسانش بمنت بود دمساز	سر انجامش بلا زانند نشانه
بیک غفلت زخوی زشت کردار	گرفتار محنت شد چاودانه
نشاید منت از احسان خود داشت	که این فلی است زشت و جاهلانه